

## چهارچوب نظری الگوی حکمرانی مطلوب آب کشور

نشست "آب و پیشرفت" با حضور آقای دکتر اکبرزاده معاون علمی و تقسیم کار ملی مرکز، برگزار شد. دکتر روزی طلب دبیر اندیشکده عنوان کرد که موضوع نهایی "نشست آب" که مد نظر اندیشکده و شورای برنامه ریزی نشست آب قرار گرفته، عبارت است از: "حکمرانی و مدیریت مطلوب آب کشور" و محورهای این نشست شامل موارد زیر می شود:

(۱) ارزیابی وضعیت موجود حکمرانی آب در ایران؛ (۲) ویژگی های الگوی مطلوب حکمرانی آب در ایران؛ (۳) پیشران های مؤثر در حکمرانی آب نظیر جمعیت، آمایش، توسعه اقتصادی، تغییر اقلیم، امنیت غذایی، و علم و فناوری؛ (۴) چهارچوب های نظری حکمرانی آب شامل اهداف، سیاست گذاری، ساختار، قوانین و تنظیم گری، شاخص ها، مشارکت مردم و حقوق مردم و حقوق و مالکیت آنها بر این اساس پیشنهاد شد که آقایان دکتر فهمی، دکتر مکنون، مهندس شفیع و مهندس جهانی، به ترتیب در خصوص چهار محور فوق سخنرانی های را ارائه کنند. همچنین اندیشکده آمایش بنیادین در خصوص اقلیم و آمایش سرزمین بر اساس قابلیت منابع آب و اندیشکده علم یا کار گروه چرخه نوآوری درباره آینده علم و فناوری در افزایش بهره وری از منابع آب موجود و استفاده از منابع آب جدید به هر نحو که شایسته و مناسب آن نشست می باشد، فعال باشند. علاوه بر این حداقل دو مقاله از دانشگاه های معتبر، سایر اندیشکده ها ادامه در صفحه ۲

## انتصاب رئیس و صدور احکام جدید اعضای اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگو



دکتر محمدحسین رامشت



دکتر نادر زالی



دکتر منوچهر فرج زاده



دکتر مهدی صادقی شاهدانی



دکتر محمدسعید جبل عاملی

تعریف و تاکنون بر اساس تصمیم شورای عالی مرکز، تعداد ۱۳ اندیشکده راه اندازی و کار خود را برای اجرای وظایف محوله آغاز کرده است. به گزارش دفتر ارتباطات مرکز الگو بر اساس نظام نامه اندیشکده ها که به تصویب شورای عالی الگورسیده، هر یک از اندیشکده های مرکز مسئولیت هماهنگی و ساماندهی امر تحقیق و طراحی و تدوین بخشی از الگو و پایش اجرای آن را بر عهده دارند. بر اساس این تعریف، هر اندیشکده، اتاق فکری است متشکل از ۱۵ الی ۲۵ نفر از: صاحب نظران با سابقه فعالیت مؤثر و موفق در فعالیت های نظیر مدیریت راهبردی، سیاست گذاری و قانون گذاری، استادان و فضایی حوزه و دانشگاه که در موضوع اندیشکده صاحب کرسی و یا دارای آثار علمی برجسته باشند. کارآفرینان و فعالان برجسته بخش خصوصی صاحب نظر در موضوع اندیشکده نیز می توانند به عضویت اندیشکده منصوب شوند. علاوه بر اینها سه تا پنج نفر از محققان جوان که به صورت باره وقت با مرکز همکاری دارند به عنوان بدنه کار گروه ویژه ادامه در صفحه ۲

طی حکمی از سوی رئیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رئیس و اعضای اندیشکده آمایش بنیادین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منصوب شدند. بر اساس احکام صادره از سوی دکتر صادق واعظزاده رئیس شورای عالی و رئیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دکتر محمدسعید جبل عاملی (عضو شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و استاد دانشگاه علم و صنعت ایران) به سمت ریاست "اندیشکده آمایش بنیادین" و دکتر منوچهر فرج زاده (استاد سنجش از راه دور دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر نادر زالی (دانشیار برنامه ریزی شهر دانشگاه گیلان)، دکتر مهدی صادقی شاهدانی (دانشیار اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)) و دکتر محمدحسین رامشت (استاد جغرافیای طبیعی دانشگاه اصفهان) به عنوان اعضای اندیشکده برای مدت دو سال منصوب شدند. گفتنی است اندیشکده های مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان حلقه مرکزی فعالیت های مربوط به تحقیق و طراحی الگو، در مرکز الگو

## عدالت و معنویت

### در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

چرایی ارتباط معنویت و عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
چگونگی ارتباط معنویت و عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
مولفه و شاخص های ارتباط معنویت و عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
دستاوردهای ارتباط معنویت و عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اولین نشست اندیشه ورزی عدالت و معنویت، با مشارکت اندیشکده های عدالت و معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با دعوت از صاحب نظران و پژوهشگران عدالت و معنویت، با موضوع «عدالت و معنویت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، در تاریخ پنج شنبه ۸ آذرماه سال جاری در مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برگزار خواهد شد.  
محورهای چهارگانه این نشست تخصصی عبارتند از:



۷ / چشم انداز ژاپن ۲۰۲۰

۹ / مفهوم قرآنی نسبت عدالت و فرهنگ

۱۱ / حلقه فکری «مطالعات الگوی حکمرانی اسلامی-ایرانی» تاسیس شد

نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در چرخه نوآوری / ۳

سیستم های نوآوری و گذار فناورانه / ۵

امیرکبیر و پیشرفت / ۶



## مفهوم قرآنی نسبت عدالت و فرهنگ



فرهنگ و عدالت، دو مقوله مهم و تأثیرگذار در حیات سیاسی و اجتماعی و فردی است و به همین دلیل دغدغه فکری همیشگی مردم و اندیشه‌ورزان و کارگزاران سیاسی و فرهنگی بوده است. آنان می‌کوشند با ارجاع مسائل پیرامونی این دو مقوله به مراجع و منابع فکری خود پاسخ‌های متقن و راهگشای خود را بیابند و در واقعیت خارجی به اجرا گذارند. مسائل

مهمی چون چیستی عدالت و فرهنگ و نوع نسبت این دو با هم و به چه کار هم می‌آیند؟ به ویژه این مسئله که عدالت در تعاملات فرهنگی چه نقش و کاربرد عملی می‌تواند داشته باشد؟ از مهم‌ترین مسائل فکری است. از این رو، منطقی است که این مسائل به اصلی‌ترین مرجع فکری-عملی یعنی قرآن کریم ارجاع داده شود و پاسخ‌های هدایت‌گرانه قرآن مجید را جویا شویم. چنان‌که در واقع مسئله در این گفتار نسبت فرهنگ و عدالت و کاربست عدالت در گسسته‌ها و پیوندهای فرهنگی از افق معنایی قرآن کریم است.

صاحب‌نظران زیادی درباره

تعریف عدالت و فرهنگ سخن گفته‌اند. لیکن در این گفتار بنا بر ارائه گزارشی از این تعاریف

### عدالت در عام‌ترین معنا عبارت از قانون است

را نداشته تعریف مختار خود را بیان می‌کنم و بر پایه همان تعریف بحث را پی می‌گیرم. تعریف مختار چنان‌که از بررسی‌های قرآنی پیش رو معلوم خواهد گشت، استنباطی از دلالت‌های معنایی قرآن کریم است.

### تعریف فرهنگ:

کنش‌های انسانی بر دو گونه عادت شده و زودگذر یا کنش‌های پایدار و ناپایدار تقسیم می‌شود و نیز این کنش‌ها معطوف به تولید مادی یا غیرمادی است. چگونه زیستن و نحوه کاربست تولیدات مادی مربوط به کنش‌های غیرمادی است. کنش انسانی می‌تواند عقلانی یا غیرعقلانی باشد. با عنایت به این سه مفروض، فرهنگ به عنوان کنش انسانی عبارت از «مجموعه باورها و گرایش‌ها و سلیقه‌های نهادینه یا عادت شده غیرمادی عقلانی و غیرعقلانی» است.

**تعریف عدالت:** عدالت در عام‌ترین معنا عبارت از قانون است. قانون همه مفاهیمی چون حق، موضع، اندازه، نظم، برابری و حتی فضیلت را شامل می‌شود. زیرا قانون فضیلت است بلکه مادر فضیلت‌ها است. با فرض تقسیم عوالم به عالم انسانی و عالم عینی یا تکوینی؛ تجلی و ظهور عدالت در عالم تکوین، نظم است و در عالم انسانی، شریعت است. پس عدالت به دو گونه تکوینی (نظم) و تشریحی تقسیم می‌شود.

### التفات فرهنگی قرآن کریم

آیا قرآن مجید به فرهنگ و امر فرهنگی التفات کرده است؟ قرآن کریم کتاب هدایت انسان و جامعه است: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» [سوره آل عمران: ۱۳۸]. طبیعی است که به کنش‌های عادت شده غیرمادی یا همان کنش‌های فرهنگی، التفات هدایت‌گرانه داشته باشد. چنان‌که تصریح بر سنت‌های پیشین به منظور هدایت‌گری ناس کرده است: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيُهَيِّدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» [سوره النساء: ۲۶]. آیات زیادی را می‌توان ذکر کرد که

ناظر به کنش‌های نهادینه شده یا کنش‌های فرهنگی است. این التفات قرآنی بسیار وسیع و گسترده است و همه نوع کنش‌های انسانی اعم از دین‌داران، کافران، مشرکین، بت‌پرستان و نیز فرهنگ‌های گذشته و حال را در بر می‌گیرد. قرآن کریم همان اندازه گردش شب و روز را برای اهل بصیرت، مایه عبرت‌آموزی می‌داند: «يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»

[سوره النور: ۴۴]؛ که قصص و سرگذشت گذشتگان را نیز مایه عبرت‌آموزی می‌داند: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» [سوره یوسف: ۱۱۱].

### چند نکته:

۱. قرآن کریم از میان فرهنگ‌ها بیشترین التفات را به فرهنگ عرب جاهلی دارد. زیرا بستر فرهنگی مخاطبان وحی بر فرهنگ عرب جاهلی استوار بود. این توجه بیشتر در آیات مکی دیده می‌شود و بعد از آن بیشترین توجه را به فرهنگ منافقان و اهل کتاب دارد و از میان اهل کتاب به فرهنگ قوم بنی‌اسرائیل و یهودیان به ویژه از جهت عهدشکنی و معاملات سودجویانه اقتصادی آنان توجه دارد. این توجه بیشتر در آیات مدنی دیده می‌شود.

۲. التفات قرآن کریم تنها معطوف به نفی فرهنگ‌های غیردینی و غیر ایمانی نیست، بلکه بیشترین توجه را به فرهنگ‌سازی اسلامی دارد. این بخش از کار فرهنگی مربوط به خطاب‌های ایمانی است که همه مؤمنان مسلمان را شامل می‌شود و همه خطاب‌های تشویقی و تحذیری را در بر می‌گیرد. از نحوه سلام کردن و تحیت بر دیگران و نحو ورود به خانه‌ها گرفته معاشرت با همسران، فرزندان، دوستان، همسایگان، هم‌پیمانان و فرهنگ متارکه و معاملات اقتصادی و غیره را شامل می‌شود.

۳. التفات فرهنگی قرآن کریم بر دو گونه امضایی و مولوی قابل تقسیم است. التفات‌های امضایی شامل آن دسته از فرهنگ‌های غیر ایمانی می‌شود که قرآن کریم بر آنها مهر تأیید زده و نفی نکرده است و با جریان آن در فرهنگ اسلامی مخالفت نورزیده است. مانند احترام گذاشتن به فرهنگ ماه‌های حرام که در میان عرب جاهلی مرسوم بوده است. یا رهبانیت مسیحی که در قرآن کریم نفی نشده است؛ اگرچه تأکید بر آن هم نکرده است: «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُؤُسِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» [سوره الحديد: ۲۷].

### مفهوم قرآنی عدالت

قرآن کریم کهکشانی از منظومه‌های معرفتی است. درون هر یک از این منظومه‌ها مفاهیم و گزاره‌های پایه وجود دارد که شکل دهنده آن منظومه معرفتی است مانند مفهوم تقوا و گزاره لا اله الا الله که منظومه معرفتی تقوا را تشکیل می‌دهد و یا مفهوم هدایت و تبیان کل شیء بودن قرآن کریم که منظومه معرفتی هدایت را شکل داده است و شاید بتوان گفت





### منطق قرآنی در گسست و پیوند فرهنگی، اصل عدالت است

یکی از بزرگ‌ترین منظومه معرفتی قرآن کریم، عدالت است. قرآن کریم بر پایه مفهوم عدل و امر به قسط و عدل شکل گرفته است. منظومه معرفتی عدالت در قرآن کریم مفاهیم برجسته زیادی به همراه گزاره‌های قرآنی که این مفاهیم با خود داشته‌اند، دارد. اجماً می‌توان به مفاهیمی مانند حق، قسط، قدر، عدل، شکر، طاعت، نعمت، رزق، تقوا، احسان، هدایت، اصلاح، فساد، کفر، طغیان، بهشت، جهنم، پاداش و عقاب روز جزا، اشاره کرد.

### چند نکته

۱. الله در تمام منظومه‌های معرفتی قرآن کریم حضور دارد و مفهوم مرکزی آنها به شمار می‌آید.
۲. هر دو گونه عدالت تکوینی و عدالت تشریحی در قرآن کریم حضور پررنگی دارند. نبود عدل در نظام تکوین برابر است با بی‌نظمی که منجر به نابودی و نیستی می‌شود. چنان‌که فقدان عدل در نظام تشریح منجر به ضلالت و گمراهی است.
۳. عدالت، واقعیتی مستقل در کنار دیگر وقایع و عینیت‌ها نیست بلکه وصف و عرضی است که واقعیات متصف به آن می‌شوند. عدالت یک واقعیت انضمامی نیست که اضافه به چیزها شود. البته این انصاف می‌تواند ذاتی باشد مانند انصاف باری تعالی به عدالت و می‌تواند عرضی باشد. از این رو،

تعبیر حوزه عدالت و حوزه فرهنگ نامفهوم است. به عبارت دیگر حوزه عدل همه جایی و هیچ جایی است. و بر این اساس، تعبیر «عدالت فرهنگی» به یک اعتبار (عدالت در حوزه فرهنگ) درست است و به اعتبار دیگر (عدالت فرهنگی شده) نادرست به نظر می‌آید.

### نسبت قرآنی فرهنگ و عدالت

چنان‌که گفته شد قرآن مجید التفات صریحی بر فرهنگ و امر فرهنگی دارد. قرآن کریم پاره‌ای از فرهنگ‌ها را امضا کرده است و با جریان آن در حیات فرهنگی مسلمانان مخالفت نمی‌ورزد و بعضاً به تشویق آن می‌پردازد و حتی در احکام شرع انور مندرج می‌سازد. شاید سنت اعتکاف شکل تهذیب شده سنت رهبانیت مسیحی باشد. اما قرآن مجید با پاره‌های زیادی از فرهنگ‌ها صراحتاً یا متضمناً مخالفت کرده است. این مخالفت در جایی که احکام مولوی است، بیشتر ظهور دارد. زیرا بخش زیادی از این احکام جایگزین‌های فرهنگی قرآن کریم برای جامعه ایمانی است. برای مثال حکم شرعی حجاب، جایگزین قرآن کریم برای فرهنگ عریان‌گری و هرزگی است. بنابراین، ما در قرآن کریم با مجموعه‌ای از گسست‌ها و پیوندهای فرهنگی مواجه هستیم. لیکن پرسش اساسی این است که آیا بر این گسست و پیوندهای قرآنی منطقی حاکم است؟ پاسخ مختار آن است که منطق قرآنی در گسست و پیوند فرهنگی، اصل عدالت است. بر این اساس، قرآن مجید فرهنگ‌ها را به فرهنگ عادلانه یا عدالت‌محور و فرهنگ ناعادلانه تقسیم می‌کند.